

اهمیت و فضیلت وساطت در ازدواج از منظر آیات و روایات

y.eisvand@gmail.com
mt.sobhany@gmail.com

یونس عیسوند / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث

محمدتقی سبحانی نیا / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

دریافت: ۹۷/۰۵/۱۰ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۳

چکیده

واسطه‌گری در ازدواج، از مؤثرترین راه‌های رونق‌بخشی به روند ازدواج و بهبود سطح کیفی آن در جامعه است. توجه و احیاء دوباره این سنت حسنه، نیازمند شناخت اهمیت و ارزش وساطت است؛ هدفی که با تبیین جایگاه فضیلت‌مدارانه آن از منظر دین اسلام، با تکیه بر آیات و روایات، در این پژوهش دنبال می‌شود. روش تقریر داده‌های کتابخانه‌ای این مقاله توصیفی - تحلیلی است. طبق بررسی‌های انجام‌شده، در مجموع شش آیه از قرآن کریم با رویکردهای پنج‌گانه به موضوع وساطت در ازدواج تصریح دارد: ۱. دستور به وساطت؛ ۲. وساطت به مثابه الگوگیری از فعل الهی؛ ۳. معرفی الگوی وساطت در شرایط عادی؛ ۴. معرفی الگوی وساطت در شرایط بحرانی؛ ۵. تبیین آثار وساطت در کارهای خیر. در میان فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام نیز تعداد ۲۰ روایت، بر اهمیت و ارزش واسطه‌گری در ازدواج تأکید داشتند. روایات وساطت، به سه بخش کلی، تقسیم می‌شوند: الف. وساطت به‌عنوان حق طبیعی (ناظر به رابطه والدین و فرزندان)؛ ب. ثواب‌های دنیوی و اخروی وساطت؛ ج. عواقب ترک وساطت و بی‌توجهی به آن.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، وساطت در ازدواج، فضیلت وساطت، اهمیت وساطت.

مقدمه

مابین دو طرف آن بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶ ص ۴۴۰). گستره مفهوم وساطت، هم شامل امور مادی و دنیوی می‌گردد و هم مسائل معنوی و اخروی را دربر می‌گیرد؛ البته وساطت در هر یک از این امور معمولاً با تعابیر و اصطلاحات خاص به خود، طرح می‌شود. مثلاً وساطت در کارهای تجاری و معاملات غالباً با عنوان «دلالی» و «بنگاه‌داری» بیان می‌شود؛ یا وساطت در دعوی حقوقی و مرافعات خانوادگی و حل و فصل اختلافات و خصومت‌های قومی - قبیله‌ای - حتی بین دو کشور متخاصم در عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی - با اصطلاح «میانجی‌گری» یا «اصلاح ذات‌البین» از آن تعبیر می‌شود. همچنین وساطت در امور سلوکی و سیر معنوی برای نیل به کمالات الهی که به وسیله استاد و مُراد در مورد شاگرد (سالک الی الله) محقق می‌شود، غالباً با تعبیر «دستگیری» بیان می‌شود؛ یا وساطت در بحث معاد و عرصه قیامت برای نجات گنهکاران و یا ارتقاء درجه افراد، به صورت «شفاعت» مطرح است.

مقصود ما از وساطت در ازدواج، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا فرد واسطه‌گر از نظر جایگاه، مابین دو طرف ازدواج (مرد و زن) قرار می‌گیرد، و پیوند ازدواج آنها را سامان می‌دهد. به این ترتیب عملیات وساطت، دارای سه رکن اصلی است:

۱. واسطه‌گر؛ شامل فرد یا افرادی می‌شود که متکفل امر وساطت در ازدواج هستند و قصد اجرایی شدن این مهم را دارند.
۲. داوطلبان وساطت؛ یعنی همان پسر یا دختری که خواهان ازدواج با هم هستند و نیازمند یک حلقه وصل به‌عنوان واسطه در این بین می‌باشند.
۳. موضوع وساطت؛ که به ازدواج در آوردن افراد مستعد است، و در واقع علت اصلی این تحرکات بین‌الائینی و هدف نهایی این‌گونه تعاملات اجتماعی است.

با این بیان، «وساطت در ازدواج به معنای هرگونه سخن یا عملی است که از سوی واسطه‌گر با هدف ازدواج و پیوند دو طرف واسطه (مرد و زن آماده برای ازدواج) صورت می‌گیرد».

۲. اهمیت وساطت در ازدواج

افزایش نرخ طلاق، کاهش چشمگیر آمار ازدواج و بالا رفتن طراز سنی آن، به همراه گسترش زندگی مجردی، یکی از مشکلات اجتماعی عصر

وساطت در ازدواج، از گذشته به‌عنوان یکی از روش‌های مهم و مؤثر در ترویج و تحقق پیوند زناشویی بین دختران و پسران مطرح بوده است. بی‌شک انتخاب همسر مناسب، نیازمند معرفی اولیه و شناخت کفویت در طرفین ازدواج است که گاه به صورت مستقیم از سوی خود زوج، و اغلب به‌طور غیرمستقیم و با کمک دیگران، در قالب واسطه‌گری تجلی یافته است و در اکثر قریب به اتفاق پیوندهای زناشویی مصداق می‌یابد. براین اساس، وساطت در امر خیر ازدواج، نه تنها مطلوب و پسندیده است، بلکه ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. واسطه‌گری در ازدواج از نگاه شریعت اسلامی مورد تأکید، ترغیب و تشویق بسیاری قرار گرفته است، که رجوع به آیات الهی و تفحص در مجامع روایی به خوبی بیانگر این مسئله می‌باشد. وجود پرونده‌ای مجزا به نام «واسطه‌گری ازدواج» در فرهنگ معارف اسلامی، با تأکید بر ارزش‌گذاری عمل وساطت، و ارزشمندی عامل واسطه‌گر، در کنار تعیین برخی مبانی و حدود شاکله‌ای وساطت، از نظرگاه شرع و اخلاق را می‌توان از جمله ویژگی‌های این مجموعه دانست. توجه به جایگاه وساطت، با نگاه فضیلت‌مدارانه مُتَّخَذِ از منابع دین، به همراه برشمردن فواید و آثار فراوانی که از التزام به این سنت حسنه می‌توان احصاء کرد، خود ظرفیت قابل بررسی است، که جغرافیای رسالت این نوشته را در چشم خواننده محترم مشخص می‌کند.

در مورد سابقه پژوهشی این موضوع باید اذعان کرد که جز برخی دست‌نوشته‌های پراکنده، آن هم به دور از هرگونه دقت علمی و جامعیت پژوهشی، در لابه‌لای برخی کتب مرتبط با مسائل ازدواج و خانواده، و یا در گوشه و کنار فضای اینترنتی، از قبیل سایت‌ها و وبلاگ‌ها، مطلب قابل استنادی وجود ندارد.

در حقیقت این مقاله اولین اثر پژوهش‌محوری است که در موضوع وساطت ازدواج و با هدف احصاء و تبیین فضائل و اهمیت آن، به رشته تحریر درآمده است.

۱. مفهوم‌شناسی وساطت در ازدواج و مؤلفه‌های آن

وساطت، واسطه، و وسیله در لغت به یک معنا آمده است، و آن هم میانجی‌گری، شفاعت، در میان شدن و پا درمیانی کردن (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۰۲۵-۵۰۲۴) می‌باشد. مفهوم مصدری وساطت، ریشه در واژه «وسط» دارد و وسط قرار گرفتن هر چیزی در حقیقت،

بزرگترها، و اقدام بدون اذن و اطلاع آنها نام برد؛ آسیب‌هایی که فهرست آن نیازمند پژوهشی مجزا و مفصل در مجال دیگر است. در این بین، پسران و دخترانی هم هستند که با داشتن شرایط و معیارهای لازم ازدواج، اما به جهت رعایت جانب شرع و اخلاق، از این گونه ارتباطات پرهیز می‌کنند؛ و از طرف دیگر به دلیل معرفی نشدن به یکدیگر، نمی‌توانند ازدواج کنند.

اینجاست که خلأ وجودی واسطه‌گرانی اخلاق‌مدار و مطمئن در کشف گزینه‌های مناسب برای ازدواج، به خوبی احساس می‌شود. واسطه‌هایی که در عین جبران نمودن ضعف‌ها و آسیب‌های فرهنگ نادرست ارتباط‌های مستقیم، می‌توانند پاسخگوی مناسبی برای مشکلات و دغدغه‌های قشر جوان مؤمن در آستانه ازدواج باشند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی) در بیان ضرورت و اهمیت وساطت ازدواج فرمودند:

یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دخترها، متأسفانه کمرنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند - سابق‌ها همیشه معمول بود، حالا هم با کثرت نسل جوان در جامعه ما، باید این رواج داشته باشد - پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده‌ی دختر معرفی می‌کنند؛ دخترهایی را می‌شناسند، به خانواده‌ی پسر معرفی می‌کنند؛ تسهیل می‌کنند و آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را؛ این کارها را بکنند. هر چه که ما بتوانیم در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه و کشور ما است (بیانات در دیدار دانشجویی، ۹۴/۴/۲۰).

وساطت در ازدواج در حقیقت، حیات مسئولیت‌حیاتی‌ترین نقطه تلافی مرد و زن در مسیر زندگی مشترک یعنی «انتخاب همسر» است، و این جایگاه، خود به‌تنهایی ضرورت احیای سنت حسنه وساطت در جامعه امروز را بیان می‌دارد.

۳. فضیلت وساطت در ازدواج

واسطه‌گری در ازدواج، نه تنها مورد تأکید دین اسلام است، بلکه در قالب یک دستورالعمل الهی و به‌عنوان یک وظیفه انسانی - اخلاقی از آن یاد شده است، که فهم هرچه بیشتر ارزش این عمل خیر در فرهنگ معارف اسلامی و تشویق و ترغیب در عملیاتی شدن آن در جامعه، نیازمند غور در آیات و روایات آن می‌باشد، و ما در این بخش بدان می‌پردازیم.

حاضر است؛ چالشی که از سوی پژوهشگران و مشاوران خانواده به‌عنوان منشأی برای آسیب‌های فردی و اجتماعی بیان می‌گردد. اما عوامل مؤثر در این معضلات اجتماعی همیشه مادی و مالی نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد پیدا نکردن مورد مناسب از سوی پسران و دختران، اصلی‌ترین عامل آن محسوب می‌شود. یافتن کفو از حساس‌ترین، مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین مراحل انتخاب همسر به‌شمار می‌آید؛ که سرنوشت زندگی مشترک هر فرد را رقم می‌زند. در این میان یکی از مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌ها - از گذشته تا حال - برای پیدا کردن همسر مطلوب، رجوع به واسطه‌هاست. وساطت در ازدواج، سنت حسنه‌ای است که بخشی از نگرانی‌های موجود در مقدمات یک ازدواج مطلوب را کاهش می‌دهد و کمک شایانی در رسیدن به کفویت در زوجیت می‌کند.

اهمیت میانجی‌گری در ازدواج را پدران و مادرانی درک می‌کنند که فرزندان دم‌بختشان به خاطر نبود خواستگار مناسب و گذشتن بهار سنی ازدواج، در معرض فشارهای تلخ روحی و تحمل نگاه‌های سنگین و دور از فرهنگ برخی افراد جامعه قرار گرفته‌اند. روی آوردن به روش‌های غیرقابل اعتماد و آسیب‌زای انتخاب همسر در دنیای مدرن امروز را می‌توان از پیامدهای فقدان معرف‌های مفید و مؤثر در ازدواج و نبود جایگزین مناسب برای آن دانست. افزایش سایت‌های غیرمجاز همسریابی و استقبال جوانان از این سایت‌ها، دوستی‌های خیابانی قبل از ازدواج، عضویت در اتاق چت (room chat) و شبکه‌های مجازی و غیره، از جمله آن است؛ روش‌هایی برای آشنایی، که اگر به ازدواج بیانجامد در بیشتر موارد به دلیل شروع پیوند ازدواج از مسیر نادرست، موجب خانواده‌ای با استحکام لازم نخواهد شد، و با آثار نامطلوبی که از خود بجای می‌نهد، چه بسا موقعیت خانوادگی افراد را از جهات فردی و اجتماعی به خطر می‌اندازد.

گسترش ارتباط‌های مستقیم بین پسران و دختران جوان در محیط‌های مختلط علمی و شغلی امروزی، که اصول اخلاقی و دینی در آن کمتر رعایت می‌شود، و نیز وجود بسترهای مناسب آشنایی‌های بی‌ضابطه در فضای مجازی، هرچند در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت خود، یعنی با هدف ازدواج و تشکیل خانواده، تحقق یابد، باز هم موجب بروز مشکلات فراوانی است که برای نمونه می‌توان از غلبه انتخاب‌های احساسی بر گزینش‌های منطقی، زوال پنهانی حیا و عفاف در ارتباطات متکثر، تقویت حس تنوع‌طلبی با وجود انواع گزینه‌های مختلف انتخابی، کنار گذاشتن رأی و تجربه والدین و

نتیجه تفحص در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام پنج مورد از آیات الهی و نیز بیست روایت است که با تعابیر مختلفی به بحث فضیلت واسطه‌گری در ازدواج اشاره دارد:

الف. آیات الهی

۱. دستور خاص به وساطت در ازدواج

در تعیین میزان ارزشمندی واسطه‌گری ازدواج، همین بس که خدای تعالی با دستور خاص تکلیف آحاد امت اسلامی را در این مسئله صراحتاً روشن کرده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)؛ و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود، و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است. هرچند این آیه شریفه به «آیه ازدواج» در بین عامه مردم شهرت یافته است؛ اما در حقیقت و با بیانی دقیق‌تر باید این آیه را امر به وساطت در ازدواج دانست، نه توصیه‌ای به خود ازدواج. بنابراین، باید به‌عنوان «آیه وساطت در ازدواج» مطرح شود؛ زیرا عبارت (انکحوا) فعل امر از ریشه (انکاح) به معنای تزویج است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۵۷) که ترجمه آن می‌شود: «به ازدواج دریاورید - همسر بدهید»؛ نیز کلمه (ایامی) جمع (ایم) به فتحه همزه و کسره یاء و تشدید آن - به معنای پسر عزرب و دختر عزرب است (همان، ج ۱۵، ص ۱۵۷) چه قبلاً ازدواج کرده باشند و یا از ابتدا مجرد باشند.

در تفسیر نمونه آمده است: «تعبیر (انکحوا؛ آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسئله ازدواج، و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هرگونه قدمی و سخنی و درمی را در این راه شامل می‌شود» (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

به‌طور کلی با بررسی آیات نکاح به دست می‌آید، در قرآن آیه‌ای مبتنی بر ترغیب خود افراد به مطلق ازدواج وجود ندارد، حتی از

سومین آیه سوره «نساء» یعنی «إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ...» که خطاب به خود افراد ازدواج‌کننده است، نیز ترغیب فهمیده نمی‌شود؛ زیرا امر موجود در آیه برای رفع خطر است که طبق قواعد اصولی، امر بعد از خطر صرفاً بر جواز و اباحه دلالت دارد و نه ترغیب و استحباب! (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۵-۷۴).

با این بیان می‌توان منطق قرآن را در شکل‌گیری ازدواج، منوط به ورود واسطه‌گران و معاونت اطرافیان دانست؛ چراکه هیچ‌گاه مخاطب دستور ازدواج در قرآن، خواهان ازدواج نیست؛ بلکه شخص سومی است که توانایی اقدام برای ازدواج افراد مجرد را دارد. به عبارت دیگر، در قرآن دستور به ازدواج نداریم، اما دستور به وساطت در ازدواج وجود دارد!

خطاب این آیه شامل عموم افراد جامعه می‌شود، و پیام آن احساس مسئولیت تک‌تک آنان در برابر افرادی است که در عین صلاحیت برای ازدواج و تشکیل خانواده، به عللی از اقدام و حرکت در این مسیر بازمانده‌اند.

نکته قابل تأمل در این کریمه مبارکه آن است که هرچند فقر و مشکلات مادی را از نظر برخی به‌عنوان مانع ازدواج بیان می‌دارد، اما هرگز اجازه نمی‌دهد که این منطق ناصواب دستاویزی برای عزب ماندن افراد شود؛ آیه، میانجی‌گری در ازدواج را مشروط به مساعد بودن شرایط مالی زوج نمی‌داند، و مشکلات اقتصادی را نه‌تنها مانعی برای ترک اصل ازدواج بر نمی‌شمارد، بلکه از دستاویز قراردادن آن برای ترک واسطه‌گری ازدواج هم پرهیز می‌دهد، و همه را به فضل و کرم خاص خودش امیدوار می‌سازد.

۲. وساطت در ازدواج به مثابه الگوگیری از فعل الهی

«وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَعْمُولًا» (احزاب: ۳۷)؛ و تو به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی، گفתי: زنت را برای خود نگه دار و از خدای بترس، درحالی که در دل خود آنچه را خدا آشکار ساخت، مخفی داشته بودی و از مردم می‌ترسیدی؛ حال آنکه خدا از هر کس دیگر

موقعیت پدری، در نقش واسطه‌گر ازدواج برای دختران خود معرفی می‌کند. زیرا مسئله وساطت در منطق معارف اسلامی، اگرچه برای عموم افراد جامعه، از جمله وظایف مهم اخلاقی - انسانی است؛ اما جزو تکالیف لازم‌الاجرای والدین در قبال حقوق فرزندان به حساب می‌آید، که ذیل مباحث روایی بدان اشاره خواهد شد.

این آیه در کنار پررنگ کردن اصل الگوی واسطه‌گری حضرت شعیب علیه السلام، به نکات مفید دیگری نیز اشاره دارد که به نحوی بیان‌کننده قواعد ملزمه وساطت در سیره عملی آن حضرت است، و ما به طور اجمال برخی از آنها را مطرح می‌کنیم:

۱. بررسی کفویت زوج قبل از هر اقدامی توسط واسطه‌گر، که در آیه قبل از این با عبارت «الْقَوَى الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶) بیان شده است، و این از مهم‌ترین وظایف عملی واسطه‌گران است.

۲. عدم تأخیر در واسطه‌گری برای ازدواج دختران بعد از احراز کفویت، آن هم به جهت موانع غیرمعقول، چون عدم شغل و مسکن و یا بزرگی و کوچکی دختران و غیره. لذا می‌بینیم حضرت شعیب علیه السلام دست هر دو دختر را در انتخاب همسر بازمی‌گذارد، و اصراری بر رعایت ترتیب سنی ندارد «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ». همچنین در مورد حضرت موسی علیه السلام نیز به تمکن مالی تکیه نمی‌کند؛ بلکه توان شخصیتی (قدرتمندی و توانا بودن) و حُسن تربیتی (امین بودن) او را سرمایه اصلی برای تشکیل خانواده قرار داده است.

در اینجا ضروری است که در باب به تأخیر نیانداختن وساطت بعد از تشخیص کفویت، به نقل دو روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اکتفا کنیم: «إِذَا جَاءَكُمْ الْأَكْفَاءُ فَأَنْكِحُوهُمْ وَلَا تَرْتَبُوا بِهِنَ الْحَدَثَانَ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷، ح ۱۹۳)؛ وقتی اشخاص هم شأن به خواستگاری پیش شما آمدند، دختران خود را شوهر بدهید، و در کار آنها منتظر حوادث ماباشید.

ایشان در توصیه‌ای به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «ای علی! سه کار را به تأخیر نینداز: نماز را هرگاه وقتش رسید؛ [به خاک سپاری]؛ جنازه را هرگاه آماده شد؛ [ازدواج] زن بی‌همسر را هرگاه همسنگی برایش یافتی» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۱۶، ح ۱۲۶۱).

۳. اطمینان از قطعی بودن نظر حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان داماد در مورد ازدواج، قبل از با خبر کردن و اطلاع یافتن از نظر دختران «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ»؛ این مسئله از جمله ظرافت‌های وظایف واسطه‌گری از جانب بانوان است، و دلیل آن نیز

سزاوارتر بود که از او بترسی. پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، ما او را به همسری تو درآوریم تا مؤمنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، منعی نباشد و حکم خداوند شدنی است.

شأن نزول این آیه به جریان طلاق زینب بنت جحش از همسرش زینب حارثه برمی‌گردد، که پس از جدایی، پیامبر صلی الله علیه و آله به امر پروردگار با زینب ازدواج نمود. از آنجاکه زید پسرخوانده پیامبر و پرورش‌یافته دامن او بود، و از طرفی هم در سنن جاهلی آن زمان، پسرخوانده همانند فرزند صُلبی خود محسوب می‌شد، ازدواج با همسر فرزندخوانده، مانند ازدواج با همسر فرزند واقعی، قبیح و مورد سرزنش بود، لذا خداوند برای مقابله با این سنت بی‌پایه، به رسول خود دستور داد که پس از جدایی زینب از زید، با او ازدواج کند، تا عملاً این شیوه غلط از بین مسلمانان برچیده شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۸۲).

در این آیه خداوند متعال خود را به‌عنوان واسطه ازدواج، بین پیامبر صلی الله علیه و آله و زینب معرفی می‌کند؛ و با عبارت «زَوَّجْنَاكَهَا» (ما او را به تو تزویج کردیم) از آن یاد می‌نماید. این تعبیر نشان‌دهنده جایگاه و ارزش واسطه‌گری برای ازدواج در نزد خداوند است؛ مقامی که پروردگار خود را بدان متصف نموده و از افعال خود برمی‌شمرد. بدین ترتیب، واسطه‌گری در ازدواج در حقیقت الگوگیری از کار خداوند است و حکایت از یک حرکت الهی دارد؛ حرکتی در راستای تخلق به اخلاق الهی و تشبیه انسان به او، که ثمره آن خداگونه عمل کردن آدمی است.

۳. معرفی الگوی وساطت در شرایط عادی زندگی اجتماعی

«قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَاجٍ فَإِنْ أْتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (قصص: ۲۷)؛ (شعیب به موسی) گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو در آورم، به شرط آنکه هشت سال اجیر و در خدمت من باشی، و اگر ده سال را تمام کنی، پس از جانب خودت است و صاحب اختیاری، و من نمی‌خواهم که تو را به مشقت افکنم. انشاءالله مرا از صالحان خواهی یافت.

این آیه شریفه به داستان ازدواج یکی از دختران حضرت شعیب علیه السلام با حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد، که در یک شرایط کاملاً مساعد و طبیعی صورت گرفته است، و حضرت شعیب را با حفظ

هتاک و جلوه‌گیری از این فساد پیشنهاد ازدواج با دختران خود را با عبارت «قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ» مطرح کردند.

داستان قوم حضرت لوط^ع و ازدواج دختران او، علاوه بر سوره «هود»، در آیه ۷۱ سوره «حجر» نیز با عبارتی مشابه آمده است: «قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ»؛ گفت: اگر قصدی دارید، اینک دختران من، هستند.

این تعبيرات قرآنی حکایت از تحقق عملی واسطه‌گری در سیره حضرت لوط^ع دارد و آیه صراحتاً ایشان را در مقام وساطت برای ازدواج توصیف کرده است.

نکات قابل تأمل این کریمه شریفه به شرح ذیل است:

۱. نگاه کارکردی قرآن به امر وساطت در ازدواج و نقش سازنده آن در اجتماع انسانی به‌عنوان درمان مفاسد جنسی و تأیید آن به‌مثابه راهکاری عملی برای خروج از بحران غرایز شهوی در جامعه.

۲. پیش‌دستی مجاهدانه در عملیات وساطت؛ خصوصیتی که ترک آن از عوامل کم‌رنگی این سنت حسنه در جامعه است. واسطه‌گران ازدواج، اگر بخواهند در انتظار پیشنهاد وساطت از طرف متقاضیان ازدواج بمانند، تقریباً باید فاتحه وساطت را بخوانند؛ اقدام پیش‌دستانه در واسطه‌گری، نکته‌ای است که از سیره قرآنی حضرت لوط^ع می‌توان دریافت.

۳. واسطه‌گری خانواده دختر نه تنها عیب نیست؛ بلکه بنا بر این آیه در بیان سیره حضرت لوط^ع و نیز آیه‌ای که در مورد ازدواج دختران حضرت شعیب^ع گذشت (قصص: ۲۷) از سنن انبیاء الهی بوده است، و هیچ اشکالی بر آن مترتب نیست. در این زمینه مؤیدات روایی وارده از ائمه اطهار^ع نیز قابل توجه است، که در بحث روایی به آن خواهیم پرداخت.

۴. جریان واسطه‌گری حضرت لوط^ع بر اساس یک ضرورت اجتماعی و در حالت اضطرار برای نجات امت غرق‌شده در مفاسد جنسی صورت گرفته است. در چنین موقعیتی تحقق اصل ازدواج به‌عنوان بهترین راهکار برون‌رفت از نکبت گناه مطرح است، و الباقی اصول و فروع مرتبط با حوزه ازدواج و وساطت، همچون رعایت همسانی و کفویت، نباید مانع از شکل‌گیری آن گردد. بنا بر همین مناسبت که دین اسلام، از اختکار دختران و پسران آماده برای ازدواج، توسط خانواده‌ها در مواجهه با موقعیت‌های بحرانی نهی فرموده است، و به کنار نهادن سخت‌گیری‌های مبتنی بر سلاطین

روحیه لطیف و به شدت عاطفی و آسیب‌پذیری است که نوعاً در این جنس وجود دارد، و اتفاقاً در لسان روایات حوزه وساطت نیز دارای مؤیداتی است (همان، ص ۷۳، ح ۸۶).

۴. پیش‌قدم شدن واسطه‌گر (حضرت شعیب^ع) در پیشنهاد ازدواج، به جای طرح موضوع از طرف دختران؛ نکته دیگری در ظرافت‌های وساطت از طرف بانوان است که موجب حفظ حریم حیا و عزت و کرامت شخصیتی زنان می‌گردد.

۵. پیشگامی پدر دختران در به ازدواج در آوردن ایشان، به جای صبر کردن و چشم‌انتظار خواستگار ماندن؛ به‌ویژه در جایی که موارد مناسبی از میان پسران وجود دارد. البته این اقدام نیازمند یک مواجهه عزت‌مدارانه است که باید از سوی خانواده دختر کاملاً رعایت گردد.

درس گرفتن از این نکته قرآنی بخصوص در جامعه معاصر ما بسیار راهگشاست؛ چراکه امروزه، نه تنها از سوی خانواده دختر، اقدامی جهت ازدواج صورت نمی‌گیرد، بلکه گاه این کار تقبیح هم می‌شود، و سرنوشتی جز انتظارهای نامعلوم و زجرآور را برای دختران دم بخت رقم نمی‌زند. این در حالی است که هیچ‌گونه منع شرعی و اخلاقی در این باب وجود ندارد، و سیره بزرگان دین نیز بر خلاف روش مرسوم امروزی است.

۴. معرفی الگوی وساطت در شرایط بحرانی زندگی اجتماعی

«وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ فِي صَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (هود: ۷۸)؛ و قومش شتابان نزد او آمدند و آنان پیش از این مرتکب کارهای زشت شوند، لوط به آنها گفت: ای قوم من، اینها دختران من هستند، برای شما پاکیزه‌ترند، از خدا بترسید و مرا در برابر مهمانانم خجل نکنید، آیا مرد خردمندی در میان شما نیست؟

این آیه پیرامون داستان قوم حضرت لوط^ع است که عادت به گناه شنیع همجنس‌گرایی داشتند، و انذار و تحذیر نبی الهی را در این زمینه نمی‌پذیرفتند. از این رو، خداوند متعال، ملائکه عذاب را در هیئت جوانانی خوش‌سیمما به سوی آنان گسیل داشت. فرشتگان عذاب ابتدا برای ملاقات با حضرت لوط^ع میهمان خانه او شدند. اهل شهر با خبر گشتند و با نیت تعرض و هتک حرمت آنان به خانه پیامبر خود هجوم آوردند؛ در این میان حضرت لوط^ع برای دفع این

«أَفْضَلُ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي النِّكَاحِ» (همان، ح ۶۴۹۲)؛ بهترین وساطت این است که میان دو نفر در امر ازدواج واسطه شوی.

رسول اکرم ﷺ در بیان دیگری در مورد اجر وساطت فرمودند: «مَنْ شَفَعَ شَفَاعَةً يَدْفَعُ بِهَا مَعْرَمًا أَوْ يَحْيِي بِهَا مَعْرَمًا، ثَبَّتَ اللَّهُ تَعَالَى قَدَمَيْهِ حِينَ تَدَخُّصُ الْأَقْدَامُ» (همان، ح ۶۴۹۶)؛ کسی که با میانجیگری خود زبانی را دفع یا سودی را احیا کند، خداوند متعال، قدم‌های او را استوار بدارد، در روزی که قدم‌ها می‌لغزد.

در پایان از این اشاره لطیف قرآنی می‌توان نتیجه گرفت که هر آنچه از اجر و پاداش‌های کم‌نظیر که در معارف روایی ما برای اصل ازدواج بیان شده است، برای واسطه‌گران در ازدواج نیز سهمی و نصیبی لحاظ می‌گردد.

ب. روایات

در مجامع روایی ما به‌طور خاص از حقیقت آسمانی وساطت در ازدواج، پرده‌برداری شده است، و نتایج دنیوی و اخروی آن ذکر شده است. از مطالب مهمی که پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ﷺ او همواره تأکید خاصی بر آن داشتند، مسئله وساطت در ازدواج بود؛ تا جایی که بارها و بارها و در موقعیت‌های مختلف، خود ایشان واسطه ازدواج برخی افراد می‌شدند، و یا به دیگران دستور می‌دادند که در امر خیر ازدواج، واسطه‌گری کنند. البته واسطه‌گری در این روایات به‌معنای عام آن است، که شامل وساطت‌های مالی برای تأمین هزینه‌های اقتصادی زوج نیز می‌گردد و صرفاً به معرفی افراد به یکدیگر بسنده نمی‌شود. مجموعه این سیره و سخنی که از اهل‌بیت ﷺ به جا مانده است حکایت از ارزش و اهمیت والای این مسئله در نگاه دینی ما و تأثیر آن در فرهنگ اجتماعی مسلمانان دارد.

حاصل جست‌وجوی روایی ما در این موضوع، دستیابی به ۲۰ مورد از احادیثی است که مستقیماً به ارزش‌گذاری امر وساطت در ازدواج و میزان فضیلت‌مندی آن تعلق دارد. این مجموعه حدیثی را که غالباً از مشهورترین کتب روایی شیعه همچون *کتاب اربعه*، *بحار الانوار*، *خصال*، *ثواب الاعمال* و... جمع‌آوری شده است، می‌توان به سه بخش کلی تقسیم کرد:

الف. روایاتی که وساطت در ازدواج را حق شرعی و قانونی می‌دانند؛ ب. روایاتی که متذکر ثواب‌های دنیوی و اخروی وساطت در ازدواج می‌شود؛ ج. روایاتی که در مذمت و عقاب ترک وساطت در ازدواج وارد است. در این بخش به تبیین هریک از این موارد می‌پردازیم:

توهمی امر کرده است، و ازدواج زود هنگام را یک اصل اساسی برای جوانان در معرض فساد می‌داند.

شرایط بحرانی جامعه‌ای که در ورطه فساد اخلاقی فراگیر قرار گرفته است، ترویج و تحقق ازدواج‌های فداکارانه و ایثارگرانه از طرف خانواده‌های متعهد را، به صورت یک ضرورت اصلاح‌کننده، می‌طلبد.

۵. تبیین آثار وساطت در کارهای خیر به نحو عموم

«مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتِئًا» (نساء: ۸۵)؛ هر که سبب کار نیکویی شود، خود نیز نصیبی کامل از آن می‌برد، و هر که وسیله کار قبیحی گردد، او نیز از آن سهمی بسزا خواهد یافت، و خدا بر همه چیز (از نیک و بد اعمال خلق) مراقبی تواناست.

این آیه در مقام بیان اجر و پاداش شفاعت‌کننده در کارهای خیر و جزا و عقاب او در امور شر است به این معنا که در هر کاری اعم از خوب یا بد، برای واسطه آن کار، سهم و نصیبی نهفته است.

در ابتدا اشاره شد که شفاعت نوعی وساطت محسوب می‌گردد؛ همچنان که ذیل تفسیر این آیه تصریح شده است: «شفاعت نوعی وساطت برای ترمیم نقیصه و یا حیازت و به‌دست آمدن مزیتی و یا چیزی نظیر اینهاست. در حقیقت شفاعت نوعی سببیت برای اصلاح شأنی از شئون زندگی دارد و به همین جهت هر ثواب و عقابی که در خود آن شأن هست، سهمی هم در این وساطت و شفاعت خواهد بود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳)؛ به سبب آنکه وساطت در ازدواج نیز برای ترمیم نقص تجرد افراد و یا حیازت مزیت تأهل و تشکیل خانواده می‌باشد، و به‌معنای واقعی اصلاح شأنی از شئون زندگی افراد است؛ پس یکی از مصادیق تام و تمام شفاعت در امور خیر و این آیه شریفه است.

با رجوع به روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی ﷺ در باب شفاعت، می‌توان مؤیدات این موضوع را مشاهده کرد. البته آن دسته از روایاتی که ناظر به شفاعت‌های دنیوی است، در حقیقت به‌معنای واسطه شدن برای رساندن نفع و دفع ضرر به کسی در امور دنیا می‌باشد. برای نمونه، پیامبر خدا ﷺ در مورد مأجور بودن واسطه‌گران کارهای خیر فرمودند: «إِشْفَعُوا تُؤَجَّرُوا» (قضاعی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۸)؛ میانجی‌گری کنید، تا پاداش ببینید.

نیز ایشان بهترین مصادیق شفاعت راه شفاعت در مورد ازدواج می‌دانند:

است؛ و واسطه‌گری در این مسئله از مصادیق اتم آن است. پیامبر اکرم ﷺ در کلام دیگری در ارتباط با کیفیت وساطت برای دختران، دستور دادند: «زَوِّجُوا أَبْنَاءَكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هُوَ لَا أَبْنَاءَ نَزَّوْجُ، فَكَيْفَ بَنَاتُنَا؟! فَقَالَ: خَلَوْهُنَّ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ، وَ أُجِيدُوا لَهُنَّ الْكِسْوَةَ؛ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ النَّحْلَةَ، يُرْغَبَ فِيهِنَّ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۳۴)؛ پسران و دخترانتان را همسر دهید. گفتند: ای پیامبر خدا! پسرانمان را همسر می‌دهیم؛ اما دخترانمان را چگونه؟! فرمود: آنان را به طلا و نقره بیاریید، جامه نیکو بر تن آنها بپوشانید، و جهیزیه خوب به آنها بدهید، تا خواستگار پیدا کنند.

این روایت، از طرفی ناظر به وساطت‌های شخصیتی برای معرفی به پسران است؛ چراکه قطعاً فلسفه آراستن دختران به زیورآلات و پوشاندن البسه‌های نیکو، در معرض معرفی قرار دادن آنهاست نه در معرض ارتباطات مستقیم و غیرشرعی با ناهلان و نامحرمان؛ و این مسئله جز با وساطت والدین که مخاطب اصلی این کلام هستند محقق نمی‌شود. از طرف دیگر، با توصیه به تهیه جهیزیه مناسب، شامل وساطت‌های مالی برای ازدواج دختران نیز می‌گردد.

۲. ثواب‌های دنیوی و اخروی وساطت

آنچه در این بخش می‌آید، ثواب‌ها و آثار مترتب بر واسطه‌گری در ازدواج است که در خلال روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آنها اشاره شده است: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «وَمَنْ عَمِلَ فِي تَزْوِيجِ بَيْنِ مُؤْمِنَيْنِ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا، زَوَّجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَلْفَ امْرَأَةٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، كُلُّ امْرَأَةٍ فِي قَصْرِ مِنْ دُرٍّ وَ يَاقُوتٍ، وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَاها أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عَمَلٌ سَنَةٍ، قِيَامٌ لَيْلِهَا وَ صِيَامٌ نَهَارِهَا» (صدوق، ۱۳۸۲، ص ۳۴۰)؛ هر کس در ازدواج دو مؤمن بکوشد تا آن دو، سر و سامان یابند، خداوند هزار حورالعین را - که هر کدامشان در قصری از دُر و یاقوت قرار دارند - به ازدواج او درمی‌آورد و در ازای هر گامی که در آن راه برمی‌دارد، یا کلمه‌ای که درباره آن کار بر زبان می‌آورد، پاداش یک سال کسی را به او می‌دهند، که شب‌ها را به عبادت و روزها را به روزه گذرانده باشد.

با کمی دقت در مضمون این روایت، بخصوص تعبیری همچون «حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا»؛ کوشش تا تحقق ازدواج و یا «كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَاها أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ»؛ برای هر قدمی که برمی‌دارد و کلمه‌ای و صحبتی که می‌کند؛ به خوبی دانسته می‌شود

۱. وساطت در ازدواج، حق شرعی و قانونی عزب‌ها

اگرچه واسطه‌گری در ازدواج، وظیفه اخلاقی - انسانی آحاد جامعه اسلامی است و هر کس به هر میزان که در توان دارد باید برای رفع مشکل ازدواج نسل جوان، قدمی هرچند کوچک بردارد؛ اما این وظیفه به حسب موقعیت و جایگاه افراد، گاه تا مرز یک حق شرعی هم پیش می‌رود، و آن را از حالت یک عمل خیرخواهانه و سنت مستحسن، به یک تکلیف الزامی و قانون حتمی درمی‌آورد؛ به نحوی که تخلف از وساطت و کنار نهادن آن، مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

در روایات اسلامی، حیات نقش واسطه‌گری توسط والدین در خانواده، به شکل یک حق قانونی برای فرزندان مطرح شده است، که در اینجا به ذکر احادیث آن می‌پردازیم:

در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «مَنْ حَقَّ الْوَالِدُ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثًا: يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ، وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ» (طبرسی، ۱۳۹۲ق، ص ۱، ص ۴۷۴، ح ۱۶۲۷)؛ از جمله حقوق پسر (فرزند) بر پدرش سه چیز است: اینکه بر او اسم نیکو بگذارد، به او نوشتن بیاموزد، و وقتی به سن ازدواج می‌رسد، برایش همسر اختیار کند.

همچنین در مضمون دیگری فرمودند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ يُزَوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ، وَ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ» (متقی‌هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۴۱۷، ح ۴۵۱۹۱)؛ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برایش انتخاب کند، هر وقت بالغ شد، او را همسر دهد، و به او قرآن بیاموزد.

از این دو روایت به روشنی می‌توان دریافت که فراهم آوردن مقدمات ازدواج فرزندان، که معمولاً در قالب وساطت برای یافتن و معرفی کردن پسر و دختر به یکدیگر و یا وساطت برای حل چالش‌های مالی آنها صورت می‌گیرد، از جمله حقوقی است که تأمین آن بر ذمه پدر خانواده نهاده شده است.

در فرمایشات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حق وساطت تنها اختصاص به فرزند پسر ندارد؛ بلکه برای دختران نیز با همان حدت و شدت لحاظ شده است: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ... إِذَا كَانَتْ انْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ امَّهَا... وَ يُعَجِّلَ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶ ص ۴۹)؛ حق فرزند بر پدرش این است که... اگر دختر باشد، مادر او را گرامی بدارد... و هر چه زودتر، او را به خانه شوهرش بفرستد.

امر به تسریع در فرستادن دختران به خانه بخت، از جمله تکالیف پدر در قبال دختر خود شمرده شده است، که قطعاً نیازمند تمهیداتی

که غم از دلی برگیرد؛ ۳. کسی که برده‌ای را آزاد کند؛ ۴. کسی که بی‌همسران را به ازدواج درآورد.

امام کاظم علیه السلام واسطه‌گران ازدواج را سایه‌نشینان عرش حق تعالی معرفی کرده‌اند: «ثَلَاثَةٌ يَسْتُظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، أَوْ أَخَذَهُ، أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۴۱، ح ۱۶۲)؛ سه کس در روزی که سایه‌ای جز سایه عرش خدا نیست، در سایه عرش او هستند: مردی که برادر مسلمان خود را زن دهد، یا به او خدمت کند، یا رازش را ببوشاند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیانی وساطت در ازدواج را - هرچند به مقدار شاهد بودن در عقد ازدواج - بسیار با ارزش دانسته است و با توصیف خواص این عمل از آن تجلیل نمودند: «هر کس شاهد ازدواج مرد و زن مسلمان شود، رحمت حق او را دربرمی‌گیرد و ثواب هزار شهید برایش می‌نویسند و برای هر گامی که برمی‌دارد، ثواب یک پیغمبر را دارد و برای هر کلمه‌ای که در اصلاح امر ازدواج آنها بگوید، ثواب عبادت یک سال می‌برد و به خانه خود باز نمی‌گردد، مگر اینکه آمرزیده شده است؛ و نیز هر کس در ازدواج زن و مردی تلاش کند و راهنمای آنان باشد، خداوند به تعداد هر مویی از بدنش شهری در بهشت به او کرامت می‌فرماید، و او را به ازدواج با هزار حورالعین بهشتی در آورد، و پاداشش مانند کسی است که اُسرای امت محمد صلی الله علیه و آله را خریده است و در راه خدا آزاد کرده است، و اگر موقع رفتن از خانه خود یا در مسیر برگشت از دنیا برود، جزو شهیدان خواهد بود» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۳۲).

مطابق این روایت، اجر و پاداش بسیار زیاد و قابل توجهی که در قبال وساطت در ازدواج به شخص واسطه‌گر داده می‌شود، نشان‌دهنده میزان قیمت و ارزشمندی این عمل در نزد خداوند است. بنا بر حکمت بالغه الهی و ارتباط وثیق و مؤثر عالم تکوین با تشریح، قطعاً چنین بخشش‌هایی، در قبال اعمالی است که اثرگذاری عمیق و وسیعی در نفس انسانی و جامعه پیرامونی او دارد، و البته این مسئله با اندک تأملی در کارکرد اجتماعی و فواید اخلاقی وساطت در ازدواج به دست می‌آید.

امیرمؤمنان علی علیه السلام بهترین شفاعت‌گری در دنیا را وساطت در ازدواج معرفی کردند: «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (طبرسی، ۱۳۹۲ ق، ص ۱۹۶)؛ از بهترین شفاعت‌ها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است، تا اینکه خداوند آنان را به وصال یکدیگر برساند.

که گاه وساطت امری توأم با زحمت و مشقت است؛ به همین جهت میزان بهره‌وری معنوی فرد واسطه‌گر به مقدار سعی و تلاش او در وساطت بستگی دارد.

ایشان در روایتی دیگر با اشاره به همنشینی واسطه‌گران با هر کدام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و خوبان بهشتی می‌فرمایند: «وَمَنْ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ امْرَأَةً يَأْتِسُ بِهَا وَ تَشُدُّ عَضُدَهُ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهَا، زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ، وَ أَنْسَهُ يَمَنَ أَخْبَهُ مِنَ الصَّدِيقِينَ مِنَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ أَنْسَهُمْ بِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۲۱۰)؛ هر که برادر مؤمن خود را همسر دهد تا آن زن، همدم و مایه آسایش او باشد، خداوند، او را از حورالعین بهشت زن می‌دهد و با هر کدام از صدیقان از اهل بیت من و برادران (دینی) اش که دوست داشته باشد همدمش کند، و آنان را با او انس و الفت دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَنْكَحَ عَبْدًا وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْمُلْكِ» (متقی‌هندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۸۵۰، ح ۴۳۳۸۰)؛ هر که بنده‌ای را زن دهد، خداوند، تاج پادشاهی بر سرش قرار می‌دهد. شبیه به همین مضمون از ایشان در مورد پاداش واسطه‌گری در امر ازدواج دختران نیز آمده است: «مَنْ زَوَّجَ بِنْتًا تَوَّجَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَاجَ الْمُلْكِ» (همان، ج ۱۶، ص ۴۵۱، ح ۴۵۳۸۳)؛ هر کس دختری را همسر دهد، در روز رستاخیز، خداوند، تاج شاهی بر سر او می‌نهد. اعطای تاج کرامت و سروری بر تارک واسطه‌گران ازدواج آن هم به دست اراده پروردگار در روز قیامت و سرای آخرت، تجلی عزت و منزلت خاص آنان در دنیا است که با عنایت الهی از آن بهره‌مند شده‌اند. نکته دیگر اینکه اختصاص روایتی در همین مضمون به دختران، نشانگر حساسیت و اهمیت وساطت در مورد این جنس می‌باشد.

امام صادق علیه السلام واسطه‌گران را مشمول لطف و نظر خاص پروردگار عالم می‌داند و چنین می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۴۰۴، ح ۱۶۱۷)؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵، ص ۳۳۱، ح ۲)؛ هر کس مجردی را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نظر می‌افکند.

امام صادق علیه السلام در بیان مبسوط‌تری اما با مضمونی مشابه آنچه گذشت فرمودند: «أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ أَقَالَ نَادِمًا أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانٍ أَوْ أَعْتَقَ نَسِيمَةً أَوْ زَوَّجَ عَرَبًا» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۴۶، ح ۲۴۹۹۵)؛ چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارند: ۱. آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند؛ ۲. کسی

به راستی خدا سایه‌ای دارد در زیر دست قدرتش روز قیامت، که نمی‌آراند در آن جز پیغمبر یا وصی پیغمبر؛ یا مؤمنی که بنده مؤمنی آزاد کرده است، یا مؤمنی که وام مؤمنی را پرداخته است، یا مؤمنی که بی‌زنی مؤمنی را کفایت کرده است، و او را به زنی و همسری رسانده است» (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۵۶).

وساطت برای ازدواج منحصر در معرفی افراد همسان به یکدیگر نیست؛ بلکه گاه با تأمین هزینه‌های جاری ازدواج و مساعدت مالی در این زمینه حاصل می‌شود. واسطه‌گری‌های مادی، سهم بسزایی در تشکیل خانواده و رونق چرخه ازدواج در جامعه دارند، که بی‌شک دارای اجر معنوی بزرگی چون قرار گرفتن زیر سایه رحمت و محبت پروردگار است.

پیامبر خاتم^ص با اشاره به اهمیت نقش حسن نیت و اخلاص در وساطت برای ازدواج، نتیجه کار واسطه‌گران را این‌گونه تبیین کردند: «مَنْ نَكَحَ لِلَّهِ وَ أَنْكَحَ لِلَّهِ، اسْتَحَقَّ وَ لَآئَةَ اللَّهِ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۷۴)؛ هر کس برای [خشنودی] خدا ازدواج کند، و برای خدا کسی را همسر دهد، سزاوار ولایت (سرپرستی و حمایت) خداست.

با توجه به جایگاه ولایت الهی در نظام تربیتی خلقت و قدرت تأثیرگذاری آن در رشد و کمال انسان، شاید بتوان با قاطعیت، بهترین تحفه^۳ وساطت را همین «استحقاق ولایت الهی» که همان تحت تربیت خدای تعالی قرار گرفتن و نهایتاً رسیدن به مقام قرب اوست، دانست.

باید توجه داشت که تنوع چشم‌گیر پاداش وساطت در مجموعه این احادیث، چه از نظر کمی، یعنی فراوانی میزان ثواب‌های الهی، و چه به لحاظ کیفی، که گستره و عمق بهره‌وری‌های معنوی را نشان می‌دهد، همه و همه حکایت از اهمیت تأثیرگذاری ازدواج در تضمین سلامت اخلاقی و دینی فرد و جامعه دارد. به عبارت دیگر، درجه اهمیت ازدواج و آثار مثبت آن، از میزان اهتمام ائمه هدی^ع به احیاء و ترویج امر وساطت در ازدواج در بین جامعه، به وضوح قابل مشاهده و لمس است.

۳. مذمت و عقاب ترک وساطت در ازدواج

بخش پایانی روایات باب وساطت در ازدواج، اختصاص به آسیب‌های بی‌توجهی به این مسئله مهم دارد که در لسان ائمه هدی^ع مورد عتاب و خطاب قرار گرفته است:

پیامبر اکرم^ص با مخاطب قرار دادن والدین در مورد عواقب عدم وساطت برای فرزندان، هشدار دادند: «مَنْ بَلَغَ وَ لَدَهُ النِّكَاحُ وَ عِنْدَهُ مَا يُنْكِحُهُ فَلَمْ يُنْكِحْهُ ثُمَّ أَخَذَتْ حَدَثًا فَأَلِئْتُمْ عَلَيْهِ» (متقی‌هندی،

توجه به معنای نهفته در اصطلاح شفاعت که برای رفع و جبران نقیصه‌های افراد معمولاً به کار می‌رود، به خوبی روشن‌گر این تعبیر حضرت در مورد وساطت است؛ زیرا که واسطه‌گر در واقع، عامل کمال‌بخشی افراد از نقصان مجرد به تکامل تأهل است. وساطت در واقع شفاعت محبت است، و واسطه‌گری یعنی احداث پلی عقلانی و منطقی در میان دو مرکز احساسات و عواطف انسانی که همان قلب است، و این قطعاً بهترین شفاعت است.

خاتم انبیاء^ص وساطت در ازدواج را از اسباب خوشبختی فرد می‌دانند: «تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا، أَلَا فَمِنْ حَظِّ أَمْرِيَّءٍ مُسْلِمٍ إِنْفَاقُ قِيمَةِ أَيْمَةٍ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۳۶)؛ ازدواج کنید و تزویج نمایید؛ بدانید که از خوشبختی مرد مسلمان، این است که نفقه و مخارج زن بی‌همسری را انفاق نماید، و بدانید که هیچ چیز نزد خداوند عزوجل در اسلام، دوست داشتنی‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج، آباد شود.

از سیاق صدر و ذیل این روایت که در امر به ازدواج «تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا» و بیان فضیلت آن است «وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ...» چنین برداشت می‌شود که منظور از پرداخت نفقه زنان، به وسیله ازدواج کردن با ایشان، و به ازدواج درآوردن آنان، یعنی وساطت در امر ازدواج آنها است؛ به‌ویژه اینکه برای اشاره به زنان، از لفظ «أَيْمَةٍ» که تصریح در زنان بی‌شوهر است استفاده شده است.

طبق این بیان، وساطت در ازدواج در حقیقت، آباد کردن خانه‌ای است که محبوب خدای تعالی است و این خود به معنای بسترسازی الهی در جهت شکل‌گیری خانواده‌ای با رنگ و بوی تقدس و تکامل است.

امام کاظم^ع در نامه‌ای به عمه خود در فضیلت وساطت برای ازدواج، اینچنین نوشتند: حسن بن سالم گوید: امام هفتم^ع مرا فرستاد نزد عمه‌اش و چیزی را از او خواست که در توان داشت؛ و آن کمکی بود به محمد بن جعفر (که گویا برادر آن حضرت بوده و می‌خواست به زنی بگیرد) درباره مهر او (برای همسر)؛ عمه ایشان چون نامه امام کاظم^ع را خواند، خندید! (و شاد شد) و گفت: به آن حضرت بگو: پدر و مادرم بقرابانت، اختیار با تو است، هرچه خواهی درباره آن انجام بده؛ (راوی گوید): به وی گفتم: قرابانت چه برایت نوشته بود که شاد شدی؟ گفت: یک دیگ سنگی به تو هدیه شده، به تو خبر دهم؟! گفتم: قبول، و نامه را به من داد و خواندم، حضرت در آن نوشته بود:

۱. تعیین وظایف واسطه‌های ازدواج در تشخیص کفویت افراد قبل از هرگونه اقدامی برای معرفی؛

۲. مشخص کردن مهم‌ترین ملاک‌های اصلی و واقعی کفویت که همان اخلاق و تدبیر طرفین ازدواج است؛

۳. پرهیز از تعلل و تأخیر بی‌مورد و بی‌دلیل در ازدواج کسانی که ملاکات ازدواج را در سطح رضایت‌بخشی واجدند؛

۴. هشدار به عواقب ناگواری چون افتادن در دام فتنه‌ها و فسادهای فراگیر، در اثر شانه خالی کردن از بار مسئولیت وساطت در ازدواج و بی‌تفاوتی در قبال آن؛ یقیناً عوامل این جریان‌های آسیب‌زا در اجتماع، سهم بسزایی در چشیدن عقوبت آن دارند!

در ضمن توجه به سه روایت یادشده، نباید انسان را از این نکته غافل کند که هرچند عامل اصلی گناه و فساد فرد و جامعه، ترک و تأخیر و یا عدم شکل‌گیری اصل ازدواج بیان شده است؛ اما مخاطب اصلی اهل بیت^{علیهم‌السلام} در این عتابات و تحذیرها، دقیقاً واسطه‌هایی هستند که باید این مهم را تقبل نمایند و آن را تحقق بخشند؛ تعبیراتی همچون «فَلَمْ يُنْكِحْهُ» (فرزندش را به نکاح نمی‌دهد)، «فَلَمْ يُزَوِّجْهَا» (دخترش را به ازدواج در نمی‌آورد)، «فَزَوَّجُوهُ» (همسرش دهید) که در این احادیث آمده است، همه روشن‌کننده مخاطب واقعی این کلمات می‌باشد که همان والدین یا افراد توانای در واسطه‌گری هستند. بنابراین، سلب مسئولیت وساطت و بی‌تفاوتی در مورد آن، از مقدمات و زمینه‌های جدی فاسد شدن افراد بی‌همسر در اجتماع است، و به همین جهت سهم بزرگی از عواقب دنیوی و اخروی آن بر عهده انسان‌های تارک وساطت گذاشته شده است.

نتیجه‌گیری

آنچه از ملاحظه مجموع آیات و روایاتی که در موضوع وساطت در ازدواج وارد شده است، به دست می‌آید، تاکید و ترغیب ویژه قرآن کریم بر این مسئله، با اختصاص ۶ مورد از آیات شریفه می‌باشد، که موضوعاتی همچون دستور به وساطت، الگوی وساطت خداوند، تبیین الگوی وساطت در شرایط عادی و بحرانی و نیز بیان آثار وساطت در کارهای خیر را پوشش می‌دهد. همچنین دستیابی به مجموعه عظیمی از احادیث اهل بیت^{علیهم‌السلام} در موضوع واسطه‌گری ازدواج، که تنها بیست مورد از آن که در باب فضیلت و ارزش وساطت است، برای اولین بار در این پژوهش استفاده شده است.

۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۴۴۲، ح ۴۵۳۳۷؛ کسی که فرزندش آماده ازدواج است و توان فراهم آوردن برنامه ازدواج برای فرزند را دارد، ولی اقدام نکند و فرزند کاری [اشتباه] کند، گناه فرزند به عهده اوست.

مسئولیت پدر و مادر، محدود به تأمین خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت فرزندان نمی‌شود. وساطت در ازدواج فرزند و ورود منطقی و به‌هنگام در این عرصه، از مواردی است که تأمین‌کننده سعادت زوج است؛ تبعاً غفلت و بی‌تفاوتی از این مرحله حساس که موسوم به مرحله انتخاب همسر و تشکیل زندگی مستقل است، برای فرد و جامعه خطرناک و آسیب‌زا می‌باشد؛ آتش سوزنده‌ای که تبعات منفی آن، دامن خانواده را هم می‌گیرد.

این روایت و مشابه آن، که در ادامه خواهد آمد، وساطت در ازدواج را یکی از نقش‌های مهم والدین در قبال فرزندان برمی‌شمرد. برخلاف تلقی عرف عام، که معمولاً نقش واسطه‌گری را برای فردی خارج از دایره خانواده تعریف می‌کنند و اقدام پدر و مادر یا حتی خواهر و برادر را در این زمینه وساطت نمی‌دانند. این در حالی است که هیچ‌گاه تعریف وساطت و گستره شمولی آن، مقید به افراد خارج از محیط خانواده نشده است.

آن حضرت در نقلی مشابه، اما در مورد دختران بالغه، فرمودند: «فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ: مَنْ بَلَغَتْ ابْنَتُهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً فَلَمْ يُزَوِّجْهَا، فَاصَابَتْ إِثْمًا، فَإِنَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۳۲)؛ در تورات نوشته است: هر کس دخترش به دوازده‌سالگی برسد و شوهرش ندهد و او گناهی مرتکب شود، گناهش به گردن آن [پدر] است.

این روایت که مستقلاً به واسطه‌گری در مورد ازدواج جنس مؤنث و بیان ضرورت و اهمیت آن می‌پردازد، یکی از عوامل آلودگی آنها به انواع معاصی را کم‌توجهی و بی‌مسئولیتی افراد در مورد آن دانسته است. از این رو، شراکت در معصیت و نهایتاً همانندی در تحمل عذاب‌های الهی را، برای زمینه‌سازان آن متذکر می‌گردد.

رسول خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در آثار دنیوی ترک واسطه‌گری فرمودند: «إِذَا أَتَاكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خَلْقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوا نَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِ سَاءِ عَرِيضٍ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵)؛ وقتی کسی که خُلق و دین وی مایه رضایت است، به خواستگاری می‌آید، به وی زن بدهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد.

حضرت^{علیه‌السلام} در این بیان کوتاه به دقائق مهمی در امر وساطت

اشاره دارند:

منابع.....

- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بيروت، دارصادر.
 بیانات مقام معظم رهبری، در: Khamenei.ir
 پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
 حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت
 دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب*، نجف، رضی.
 صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
 _____، ۱۳۸۲، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تحقیق محمدرضا انصاری
 محلاتی، قم، نسیم کوثر.
 طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه
 سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
 طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۲ق، *مکارم الاخلاق*، تصحیح محمدحسین
 اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، چ چهارم، تهران، دارالکتب
 الاسلامیه.
 قضاعی، محمد بن سلامه، ۱۳۹۲، *شهاب الاخبار*، قم، دارالحديث.
 کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحديث.
 متقی هندی، حسام الدین، ۱۴۰۵ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*،
 بیروت، مؤسسه الرساله.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۹، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، قم،
 دارالحديث.
 مظفر، محمدرضا، ۱۳۷۰، *اصول الفقه*، چ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ معین*، چ هشتم، تهران، امیرکبیر.
 مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۴۱۴ق، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب
 الاسلامیه.

روایاتی که وساطت را حق قانونی و شرعی افراد جامعه می‌داند و در
 مقام تشویق و ترغیب، گستره وسیعی از بهره‌های مادی و معنوی را
 برای واسطه‌گران ازدواج تبیین نموده است؛ مانند مقام شفاعت،
 مجالست با صدیقین، ثواب شهادت، امان قیامت، حُسن عاقبت و
 وصول به مقام ولایت الهی. بخشی از احادیث این موضوع نیز به
 انذارِ تارکان وساطت، و عقوبتِ کم‌توجهی به آن، قرار دارد؛ که فتنه
 در زمین، فساد فراگیر و شراکت در معصیت جامعه را شامل می‌شود.
 در پایان تذکر این نکته ضروری است که آنچه گذشت تنها
 بخشی از روایاتی است که مستقیماً ناظر به ارزش و فضیلت وساطت
 در ازدواج است. با استمداد از عموماً احادیث، در ابواب دیگر، مانند:
 احادیثی که در باب پاداش کمک‌کردن به مؤمنین، زدودن غم و
 اندوه ایشان، اصلاح امور آنها و... آمده است، می‌توان در اهمیت این
 موضوع بیش از پیش قلم زد.